



## پند دوم

وسلو سد. سدوس. اسردن-سدو (سدو) سدو. سدو

gaṃ rānyō-skəṛətīm mazdā kaṭā

سدو سدو. سدو سدو. سدو سدو. سدو سدو.

ahmāi yē-hīm iṣasōiṭ

سدو سدو. سدو سدو. سدو سدو. سدو سدو.

usyāt stōi wāstrawaitīm

سدو سدو. سدو سدو. سدو سدو.

pouruṣū aṣā ərəžəjīš

سدو سدو. سدو سدو.

piśyasū hwarē

سدو سدو. سدو سدو. سدو سدو. سدو سدو.

dāhwā dāṭēm niṣāsyā mā ākāstəṅg

**کسانی که در این جهان بخواهند زندگانی را با خوشی و آرامش به سر برند، چگونه باید رفتار کنند! بی گمان چنین کسانی باید در پرتو درخشان خورشید راستی و برابر آیین پاکت زندگی کنند. چنین کسانی چه در این جهان و چه پس از آن نیز به خوشی و جاودانی خواهند رسید.**

## پند سوم

مذہب مردمانی . اہمائی . مزدائی . اچھائی . انہائی .

anhaitī aṣā mazdā ahmāi aḥcī

مذہب سوس . ہوی . مذہب سوس . وادھو سوس .

wohucā xṣaṭrā hōi yaṃ

مذہب سوس . مذہب سوس . یس-سوس .

yē-nā mananḥā cōišt

مذہب سوس . مذہب سوس . وادھو سوس .

warədayaētā aojanḥā aṣōišt

مذہب سوس . مذہب سوس .

gaēṭaṃ nazdištāṃ yaṃ

وادی سوس . مذہب سوس .

baxšaitī drəgwā

وظیفہ ماست کہ دیگران را بہ راہ راست رھبری کنیم

**ای مزدا می دانم کہ تو نیک منشی و از خود گذشتگی و  
راستی را بھرہ کسانی می کنی کہ با کوشش تمام مردمان  
پیرامون خود را کہ هنوز پیرو دروغ اند بہ دین راستی  
در آورند.**

## پند چهارم

مَدَّ. وَاسَم. وِسْرَسَد. دَمَدَدَدَد. عَسَدَسَد.  
 mazdā stawas yazāi wā aṭ  
 مَدَنَدَسَد. نَدَسَد. مَدَسَد. وَادَنَدَنَدَسَدَسَد.  
 wahištācā aṣā hadā ahurā  
 عَسَدَسَدَسَد. مَدَسَدَسَدَسَد. مَدَسَدَسَد. وِسْرَسَد.  
 yā xšaθrācā manajhā  
 مَدَسَدَسَد. دَمَسَدَسَدَسَد. سَد-نَدَدَد. مَدَسَد.  
 ā-paiθī stānhaṭ iṣō  
 سَدَسَد. مَدَسَدَسَد. عَسَدَسَدَسَد.  
 dēmānē arədrōng ākâ  
 مَدَسَد. مَدَسَدَسَدَسَدَسَد.  
 səraoṣānē garō

رسیدن به بهشت تنها با پیروی از راستی و نیک اندیشی و نیروی معنوی فراهم می شود

**ای مزدا اهورا- تو را می ستاییم و آرزو مندیم به یاری  
 بهترین راستی و نیک اندیشی و نیروی معنوی همه ما  
 پویندگان راهت بتوانیم پیوسته گوش به فرمان تو داشته  
 باشیم و با استواری تمام پایداری کنیم و به آن چه تو در  
 بهشت گروثمان به ما نوید داده ای برسیم.**

## بند پنجم

سداژد-زی. مریسوس. مریسوس. مریسوس.

ahurā aṣā mazdā xšmā ārōi-zī

مردد. مریسوسوس. مریسوسوس.

maṣrānē yušmākāi hyaṭ

وادیسوسوس. مریسوسوس.

aibī-dərəštā waorāzaṭā

مردد. مردد.

awaṅhā āwīšyā

مردد. مریسوس. مریسوس.

x<sup>w</sup>āṭrē yā-nā zastāišṭā

مردد.

dāyāṭ

به یاری پروردگار می توان در هر کار نیکی کامیاب شد

از آن فرازین گاه ای مزداهورا یاری و پشتیبانیت را برابر  
قانون اشا به کسانی بخش که پیوسته گوش به فرمان تو دارند و  
پیام مقدست را به جهانیان می رسانند. چه تنها کمک و یاری  
توست که می تواند ما را کامیاب گرداند.



## پند هشتم

مذق. وای. و سزادگن سزاد. زوایس و سزادگن سزاد.  
zəwīštyəṅ yaojā wē at  
مذوا و سزادگن سزاد. و سزادگن سزاد. و سزادگن سزاد.  
wahmahyā pərəθuš jayāiš aurwatō  
و سزادگن سزاد. و سزادگن سزاد. و سزادگن سزاد.  
ugrəṅ ašā mazdā yūšmākahyā  
و سزادگن سزاد. و سزادگن سزاد.  
manəḡhā wohū  
و سزادگن سزاد. و سزادگن سزاد.  
mahmāi azāθā yāiš  
و سزادگن سزاد. و سزادگن سزاد.  
awəḡhē hyātā

پای و نیک اندیشی پاسدار آزادی است

از شما ای فروزگان مزدای توانا و ای پاسداران آزادی- ای اشا  
و ای وهومن که سزاوار بهترین نیایشید. با سرودهای خود  
خواهانم که به سوی من بشتابید و مرا در انجام رسالت خود به  
درستی یاری فرمایید.





## پند دهم

دخ. ورسد. وادایس. ورسد. وادایس.

pairī yācā wareṣā yā aṭ

سد. ورسد. وادایس. ورسد. وادایس.

wohū yācā śyaodanā āiš

سد. ورسد. وادایس. ورسد. وادایس.

manarhā arəjaṭ cašmaṃ

سد. ورسد. وادایس. ورسد. وادایس.

aēuruš uxšā asnaṃ x<sup>w</sup>əṅg raocā

سد. ورسد. وادایس. ورسد. وادایس.

wahmāi aṣā xšmākāi

سد. ورسد. وادایس.

ahurā mazdā

همه آفرینش های زیبا و نهرانی نمایانگر بزرگی پروردگارانند

**پروردگارا همه کارهایی که در گذشته و حال انجام داده و می دهی از روی پاک منشی و راستی است و سرودهای ستایشم از دیدن آفرینش های نفز و زیبای تو چون خورشید تابان و سپیده دم روشن الهام می گیرد و می دانم که همه آفرینش ها ستایشگر تو اند ای مزدا.**

